

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

اکبر نوروزی
۰۷ فیبروری ۲۰۲۲

معلمان کشور چه می خواهند؟

در ادامه اعتراضات و تجمعات سراسری معلمان کشور، بار دیگر در تاریخ پنجشنبه ۲۳ دیماه ۱۴۰۰ معلمان مبارز، در بیش از ۵۰ شهر کشور با وجود اقدامات شدید سرکوبگرانه رژیم ددمنش جمهوری اسلامی و نیروهای امنیتی و مأموران لباس شخصی، در اعتراض به مصوبه ناقص رتبه بندی و ... بپا خاسته و به اعتراضات و تجمعات سراسری خود ادامه دادند. در جریان این اعتراضات، معلمان معترض، مطالبات و خواسته های به حق خود را روی پلاکاردها مختلف نوشته و یا در سخنرانی هایشان به آنها اشاره کردند.

رژیم غارتگر جمهوری اسلامی، بدلیل گسترش اعتراضات و مبارزات سراسری معلمان در ماه های اخیر، طرح رتبه بندی معلمان را به صورتی ناقص در مجلس ارتجاعی به تصویب رساند. اما کیست که نداند، این طرح رتبه بندی سر دم بریده و ناقص، به هیچ وجه نمی تواند پاسخگوی دردها، زخم ها و مشکلات بی حد و حصر معلمانی باشد که در زیر بار تورم افسار گسیخته، حقوقشان به هیچ وجه کفاف تامین زندگی شان را نمی دهد.

در اکثر تجمعات و سخنرانی هایی که در تجمعات معلمان در گوشه و کنار کشور صورت گرفته است، معلمین مبارز و آگاه ما با سخنرانی های رادیکال و آگاهانه، نوک تیز حملات خود را به طرف رژیم چهل و خرافات حاکم نشانه گرفته اند، رژیمی که با چپاول و غارتگری و عوامفریبی، عامل تداوم وضع فلاکت بار کنونی و تشدید فقر، بیکاری، اختناق و هزاران مصائب و مشکلات دیگر که ذاتی نظم سرمایه داری ظالمانه حاکم است، می باشد.

برای نمونه، در یکی از تجمعات اخیر، یکی از زنان معلم مبارز در رابطه با نقض قانون اساسی از طرف رژیمیان، در یکی از سخنرانی ها چنین می گوید:

"اگر کسی اخلاص در امنیت ملی کرده، اگر کسی تشویش اذهان عمومی کرده، اگر کسی این قانون را زیر پا گذاشته، نیروهای امنیتی و انتظامی اگر می خوان اون فرد رو دستگیر کنن، من آدرس مستقیم بهشون میدم: تهران_ میدان بهارستان_ مجلس شورای اسلامی!" و در ادامه می گوید: "اون نماینده ای که میگه اجرای رتبه بندی بار مالی داره و باعث افزایش تورم میشه، اون اخلاص در امنیت ملی می کنه، چون اون ما رو عصبانی می کنه، ما بیکار نیستیم هر پنجشنبه بلند شیم بیایم اینجا تجمع کنیم".

به این نکته هم باید اشاره کرد که معلمان مبارز، با آگاهی به شرایط ظالمانه حاکم بر جامعه پا به میدان مبارزه گذاشته و خواهان یک دگرگونی عمیق در جامعه می باشند. اما در چنین شرایطی، افرادی هم هستند که برای به انحراف کشاندن

مبارزات معلمان، می‌کوشند تا سمت و سوی مبارزه آنها را فقط در جهت اقتصادی و صنفی سوق داده و تا می‌توانند از بار شعارها و سخنرانی‌های سیاسی بکاهند. آنها با عمده کردن مبارزه اقتصادی، خواهان فراموش کردن عوامل اصلی وضع کنونی و شرایط حاکم بر جامعه می‌باشند. در مقابل معلمان مبارز در جریان تجمعات سراسری خود، سخنرانی‌هایی ایراد کردند که نشان دهنده روحیه مبارزاتی و سطح آگاهی معلمان کشور می‌باشد.

در این مطلب کوشش شده تا متن بخشی از این سخنرانی‌های معلمان در شکل نوشتاری در اختیار خوانندگان قرار بگیرند تا بتوان مسائل و مشکلات آنها را هر چه زنده‌تر متوجه شد. بیشک جمع‌آوری این سخنرانی‌ها و مستند کردن آنها در شرایطی که معلمان و فرهنگیان مبارز و زحمتکش در تاریخ پر فراز و نشیب کشورمان نقش بسزایی ایفاء می‌کنند، از اهمیت برخوردار است.

نمونه‌هایی از سخنرانی‌های معلمان در تجمعات اعتراضی به شرح زیر است:

سخنان کوبنده‌ی، عبدالله رضائی، از فعالین کرمانشاه در تجمع _اعتراضی_ معلمان کرمانشاه:

"من در رابطه با دو مسئله می‌خواهم صحبت کنم. زندگی بازنشستگان یک سندی ست که ننگ و دروغ حاکمیت را برملا می‌سازد! ما سال هاست فقط از شما دروغ شنیدیم، دروغ قوت غالب شماست!

چندی پیش نوچه‌های قدرت، کیهان شریعتمداری، روزنامه‌ی جوان، مشرق نیوز و دیگر نوچه‌های قدرت جولان دادند. شورای هماهنگی را زیر سوال بردند. می‌خواهم به این نوچه‌ها و دست پرورده‌های قدرت بگویم اگر شما جناب شریعتمداری توانائی زیستن یک ماه مثل بازنشستگان داشته باشید، ما خیابان را رها می‌کنیم. ما خیابان را انتخاب کرده ایم چون شما دروغ می‌گوئید!...

دولت ایران جزو ثروتمندترین دولت‌های جهان است، اما ایرانی فقیر است! این سیاست‌های اقتصادی شما ملت را به فقر و فلاکت نشانده است! ما صدای خودمان نیستیم، ما معلمان صدای این جامعه هستیم! ما برای فقر خودمان نمی‌نالیم، ما دانش‌آموزانی داریم، ما ملتی داریم که از فرط فقر زندگی‌شان بسیار بسیار وحشتناک است! ماسکوت نمی‌کنیم، این پندار برای شما پیش نیاید که معلمان فقط برای افزایش حقوق خود تجمع می‌کنند، چنین نیست!

آقایون کیهان! آقایان روزنامه‌ی جوان! مشرق نیوز! می‌دانیم آب‌شخور شما کجاست؟ شما از کجا می‌خورید!

شما آن زندگی‌های لاکچری را دارید و می‌خواهید فقر را بر ما تحمیل کنید، ما نمی‌گذاریم، ما ساکت نمی‌نشینیم! شما با این دروغ بزرگ که بودجه نداریم، سال‌های سال است به ما دروغ می‌گوئید!

ما معلمیم، ما می‌فهمیم خروجی این همه ثروت به کجا می‌رود!...

شما از تمامی ایران ثروت ساخته اید، از نفت ثروت ساخته اید! از کوه ثروت ساخته اید! از جنگل ثروت ساخته اید! از نخل ثروت ساخته اید!

از اعتیاد ثروت انباشته اید! از تن فروشی ثروت انباشته اید! اما آنچه نصیب ما شد فقر و فلاکت بوده، این ناجوانمردیست؛ این اوج دروغ و رذالت است!!!

بندر عباس ۲۲ آذر ۱۴۰۰

یکی از معلمان: "اگر خروجی فردا حقوق معلمان را بر مبنای ۸۰ درصد حقوق اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها حداقل با خط فقر افزایش ندهند و بودجه همسان سازی و واقعی برای اجرا از مهر ۱۴۰۰ تامین نگردد، این اعتراضات در ابعاد گسترده تر ادامه خواهد یافت."

حرف های یک معلم در اعتراضات سراسری:

"من معلم رو، من معلم رو آگه خفه کنی، یعنی بچه های این مردم رو زنده بگور کردی. آقا....اون کسی که بالاست، باید حرف منو بفهمه. چرا معلم زندانی می شه؟ اما اون اختلاسگر فرار می کنه، فراریش میدن، میره. یکی از همین لباس شخصی ها، همین الان، الان من بگردم پیدا می کنم. به من گفت: تو منو بار آوردی! من گُ...ه خوردم با آبا اجدادم! بابا آگه زورت می رسه برو اختلاسگر رو بگیر. من معلم چیزی ندارم هیچی ندارم. معلمان معترض وقتی او گفت "هیچی ندارم"، فریاد زدند: "تو شرف داری."

قسمت هائی از حرف یک معلم در تجمعات سراسری، در جواب به یکی از مسئولین که گفته: لبنان فقط لب تر کنه. لبنان خوب، فلسطین خوب، برادران عمق استراتژیک ما خوب، روسیه خوب! اما چراغی که به منزل رواست، به مسجد حرام است. پس حرف بودجه نزنید، ما معلمین بدمون میاد، اینطور به شعورمون توهین بشه، بچه ها اعتصاب می کنیم، آگه به خواستمون نرسیم.

سخنرانی شجاعانه یکی از شیر زنان معلم در تجمع اعتراضی بازنشستگان و معلمان در تهران، مقابل مجلس فرمایشی. اگر ما بخواهیم انتقام بگیریم از شماها، از روز اول انقلاب تا حالا رو می گیریم. جوون ها، ما بهترین جوون ها مونو دادیم، ما عزیزترین جوون هامونو دادیم تا کشورمون آباد بشه، تا وطن مون وطن بشه. شما ها همه چیز رو نابود کردید و حالا نوبت نابودی شماست. قالیباف حیا کن، مجلس رو رها کن."

قم ۲۲ آذر، سخنرانی یک معلم زن: "مزایای مادی آنقدر به ما عنایت می کنید که تنها بخشی از هزینه های زندگی را کفایت می کند، نه موجبات آرامش خیال ما را. آنوقت به من وعده بهشت را می دهی، تو دنیای من را بساز، خود بهشت ام را خواهم ساخت."

مهر[میزان] ۱۴۰۰ تجمع معلمان در قم

یکی از معلمان: "نمایندگان محترم و مدیر کل محترم. ما الان در منزل خودمونیم، عزیزان من، اداره کل منزل ماست، اداره های آموزش و پرورش، مدارس منزل ما هستند. اگر ما اینجا جمع نشیم، صحبت ها و مطالبات مونو نگیم، کجا می تونیم، بگیریم."

تجمع ۱۱ آذر[قوس]، سخنان یک معلم زن:

"جای معلم کلاس درس است نه زندان، من اسماعیل عبدی هستم، من اسماعیل گرامی هستم، من محمد حبیبی ام، من نصرت بهشتی ام، من معلم از درس و کلاس خسته نیستم، من از شما مسئول بی کفایت خسته ام از شما مسئول بی درد خسته ام."

شیراز ۲۲ آذر ۱۴۰۰، تجمع گسترده معلمان، بعد از سرود یار دبستانی. سخنران: "در جامعه ای که به مردم آن ظلم می شود و ما سکوت کنیم در ظلم آن ظالمان شریک خواهیم بود."

تهران ۱۱ آذر ماه [قوس] ۱۴۰۰

یکی از سخنرانان: "دوستانی که اینجا، توی این خیابون هستید، بخاطر این است که حاکمیت به قانون اساسی اصل ۳۰-۳۱-۴۳ توجهی نمی‌کنه. طبق قانون اساسی که به این حاکمیت مشروعیت داده یک معلم، یک کارگر، یک بازنشسته باید بتونه صاحب مسکن باشه، باید بتونه تامین اجتماعی داشته باشه، باید خدمات درمانی اش رایگان باشه ولی اینها عمل نمیشه، چرا؟"

استان لرستان تجمع سراسری معلمان ایران ۱۱ آذر [قوس] ۱۴۰۰

"من چه گناهی کردم، بچه‌های من چه گناهی کرده‌اند، خانواده من چه گناهی کرده که باید با یک نفر که در آموزش عالی و تازه استخدام شده هفت میلیون حقوق بگیرن با ۳۱ سال سابقه باید عدالت حقوقی در کشور ایجاد بشه، و ما در همین تریبون اعلام می‌کنیم که شما باید حقوق ما رو هم‌تراز کنید با حداقل ۸۰ درصدی حقوق دریافتی هیأت علمی."

قسمتی از سخنرانی یک معلم در تجمع سراسری در قزوین ۲۰ دیماه: "ما صدای رسای بی‌صداها هستیم، ما صدای بی‌صداها، صدای کارگران، صدای کشاورزان، صدای افرادی هستیم که تریبونی در اختیار ندارند و دارند به‌شون ظلم می‌کنن، حقوق‌های ۱۵۰ میلیونی رو از کجا آوردید. کارد به استخوان ما رسیده و تاب و تحمل ما به سر رسیده، و گرنه ما قشری نبودیم که برای حقوق، بیایم در کف خیابون".

یکی از معلمان در تجمع سراسری معلمان در مقابل اداره آموزش و پرورش استان فارس، آموزش و پرورش شهرستان ممسنی: "حقوق حداقلی را خاموش نمی‌کنیم، اینها، اونها هستند که باید کوتاه بیان، اون بالاسری‌ها هستند که باید کوتاه بیان، اون آقایی که سال ۷۸ با حمله گازانبوری مردم را، دانشجویهای بی‌گناه را به پای چوبه دار برد، باید جواب پس بده."

سخنان اعتراضی یکی از معلمان در مورد کمبود حقوق در ایران:

"حرف ما این هست اش، از بودجه دولت سهم آموزش و پرورش رو بدن، سهم دانش‌آموزان این مملکت رو بدن. ۱۴ میلیون دانش‌آموز رو ما در روز داریم خدمات رسانی می‌کنیم، هیچ‌کدوم از وزارت خانه‌های دیگر همچنین ارباب رجوع عظیمی ندارند در روز، اما سهم بودجه ما، از بودجه کل کشور با توجه به اینکه حدود یک میلیون فرهنگی شاغل داریم، کمتر از پنج درصد بودجه کل کشوره، این شرم‌آور، هیچ‌جا قابل توجیه نیست. به هیچ عنوان نمی‌شه بگی، امکانات نیست، امکانات هست شش هزار میلیارد تومان به یک نفر بدون وثیقه وام میدن، مگه میشه که نباشه، اگه نیست از کجا میدن. ۱۷ هزار میلیارد تومان پرونده اختلاس یک نفر رو میشه، معاون اول رئیس‌جمهور در طی سالیان سال بودجه مملکت رو به تاراج برد و برای اهداف سیاسی خرج کرد. ما مگه یادمون میره، مگه اینها در تاریخ ثبت نمیشه."

اعتراضات سراسری ۲۲ آذر ماه ۱۴۰۰، مقابل مجلس شورای اسلامی، سخنرانی یکی از اعتراض‌کنندگان: "ما نمی‌تونیم سیاسی صحبت کنیم صنفی ایم؛ ما به هیچ وجه حق نداریم، از مردم صحبت کنیم چون صنفی ایم؛ درود بر معلمان و دانش‌آموزان لب‌تشنه خوزستان، درود بر معلمان نجیب سیستان و دانش‌آموزان فقیر بلوچستان."

همدان ۲ دیماه [جدی] ۱۴۰۰

یکی از سخنرانان: "نماینده مجلس برگشته گفته، معلمان اعتراضات خیابانی رو جمع کنن، نماینده صنف اشان، بیاد بره با حاکمیت صحبت کنه. این نماینده نمی دونم تازه کاره یا خودشو به نفهمی زده است، ما از همین همدان طومار ۶۰۰۰ امضائی بردیم مجلس، توی کریدور مجلس باز کردیم."

قسمت هائی از سخنرانی یک معلم در جلوی مجلس شورای اسلامی، به تاریخ ۲۳ دیماه ۱۴۰۰: "امنیت یعنی معلم، کارگر، پرستار و ... تو زندان نباشه، امنیت یعنی حق منو به من بدن، دیگه من نیام اینجا حق مو با گدائی بدست نیارم، با تکدی گری بدست نیارم، امنیت یعنی شما حق و حقوق معلم باز نشسته رو بدین که من معلم مجبور نباشه از طریق خود، چون ما آزاده ایم، آزاده اندیشیم، لذا تا بدست آوردن حق خودمون تا پای جان وامیستیم، از کسی هم هراس نداریم. موضوع بعدی من به دانش آموزان اختصاص میدم. طبق بند ۳ اصل ۳ قانون اساسی آموزش و پرورش و تربیت بدنی برای دانش آموزان ما، باید رایگان باشه .

اصل ۳۰ قانون اساسی چی میگه، میگه دولت موظف هست، دولت ما رو موظف کرده، نه از جیب بده، از بیت المال میخواد بده، موظف هست درآمدهائی که بدست میاره، آموزش و پرورش، تمام لوازم آموزش و پرورش را رایگان و در چارچوب استاندارد از بدو، ابتدا تا دیپلم قرار بده.

آیا شما شرم نمی کنید، من باید شرم کنم که برای دانش آموزان ما تو بلوچستان، تو گَیَر، تو اَغل، چهار تا دیوار بلوک گذاشتن، چوب گذاشتن. این مدرسه نیست، بدون میز و صندلی دارن تحصیل می کنن آیا شما شرم نمی کنید؟

چرا من حاضر باشم، برادران نیروی انتظامی، عزیزی که بین ما توی لباس شخصی هستید، بخدا ما از شما هستیم ما حق مونو فریاد میزنیم. آیا میدونید در همین تهران شما مدارس هست که دارای سالن آمفی تئاتر، استخر، سونا، جکوزی، ولی دانش آموزان ما در بلوچستان در منطقه مرزی و محروم از داشتن تخته سیاه، تنها ابزار آموزش محرومند. این چه عدالتی هست که ما شعارشو میدیم، دم می زنیم، چه عدالتی هست، اگر آموزش و پرورش رایگانه برای همه هست، اگر نداریم به هیچکس ندید.

دی [جدی] ۱۴۰۰

به نقل از: پیام فدائی، ارگان چریکهای فدائی خلق ایران شماره ۲۷۰، دی ماه [جدی] ۱۴۰۰